

# سودمند

مجله علمی ادبی و فلسفی

عبدارازی

عنوان: صندوق البوسته نمره ۳۴

شهر نور ماه ۱۳۰۵

## دار الفنون بیروت

این مسئله بر احدی پوشیده نیست که امروزه ایران محتاج جوانان تحصیل کرده و دانا است تا بتوانند با زور بازی فضل و دانش ریشه خرافات و موهومات را از ایران گشوده و در جای ان اشجار علم و اخلاق نیک بنشانند. نگارنده را همیشه عقیده بر این بوده است که ایران آباد نشود و اوضاع رو به بهبودی نرود مگر اینکه کلیه اموری که بحال دولت و مات نافع است بدست جوانان خردمند تحصیل کرده افتد و ان عناصر قدیم یادگارهای عهد ناصری و مظفری از میان برود. از اینرو چشم همواره بر باب مدارس خصوصاً دار الفنونها دوخته منتظرم نجات دهندگان ایران از ان اماکن مقدسه بیرون آمده دامن همت بالا زنند و از این گرداب هم و غم کشتی ایران

را نجات دهند. تا وقتی که در پشت میزها اشخاص نا لایق نشینند، تا زمانی که وکلای ملت جاهل و نادان باشند، تا آن روزیکه در مملکت عده جوانان تحصیل کرده معدود باشد و کارهای مهم از قبیل دکتری، معامی، وکالت در مراغه و غیره و غیره بدست جاهلان باشد محال است بتوان یکقدم هم در راه اصلاح حقیقی برداشت. باقضات جاهل عدلیه را محال است مأمین عدل و انصاف نمود و با مأمورین نا لایق دوائر دولتی را ممکن نیست در تحت نظم در آورد. ایرانی جنسا باهوش و با استعداد است ولی این موهبتهای خدا داد برای ترقی، یکقوم کافی نیست باید علم و اخلاق را با آن توأم نمود و الا آب هر چند با صفا است چون بشوره زار رود فایده نبخشد.

لذا بر عموم جوانان باهوش ایرانی واجب است که حتی المقدور در راه فضل و کمال جدیت کنند و از سایر جوانان مشرق زمین گوی سبقت بر بایند چه با آن استعداد و ذکاوت فطری هر مشکلی را اسان و هر دردی را دوا خواهند نمود.

یکی از مسائل مهم که مدنظر است در اطراف آن بحث و گفتگو میکنند فرستادن محصلین برای تحصیل علم بخارجه است. در اینخصوص هر کسی بقدر فهم خرد سخن گفته و عقیده خویش را اظهار داشته است. اینک ما هم چند سطر در اینخصوص نگاشته رای خود را عیان میسازیم تا بلکه در نظر ارباب دانش و اولیای امور و مریدان محصلین مقبول افتد.

فرستادن محصلین بخارجه از جمله واجبات است و هر سال باید عده کثیری را اعزام ممالک مختلفه نمود تا هم کسب علم و فضیلت نمایند و هم

با آداب و اخلاق اقوام مختلفه آشنا شده تمدن غربی بنظرشان غریب نیاید. مقصود نگارنده این نیست که در ایران نبایست تاسیس مدارس عالیه نمود وحتما لازم است شاگردان را بخارجه فرستاد تا در انجاء علوم و صنایع را بیاموزند. حاشا که ما را چنین عقیده باشد بلکه تاسیس دارالعلوم و دارالفنونهای عالی را در ایران نهایت واجب میدانیم و در این راه از هیچ فداکاری مضایقه نباید کرد. ولی ایجاد مدارس عالیه در ایران منافی با فرستادن محصلین در خارجه نیست بلکه بر عکس برای داشتن معادین قابل و مدرسین لایق باید تا مدت سی یا چهل سال دیگر هر سال يك عده را به ممالک مختلفه دنیا برای تحصیل کسب ساخت. ولی چه قبیل اشخاص را باید فرستاد؟ اینجا است که عقیده ما با عقیده جمعی از دانشمندان فرق میکند چه بعضی را رای این است که در صغر سن و با نداشتن معلومات اولاد خود را بخارجه فرستند تا در آن هوای آزاد تربیت یافته وقتی که بایران برگردند درست مانند یکنفر اروپائی باشند و خرافات و موهومات ایرانی در سرشان جایگیر نکرده. ما بکلی مخالف با این عقیده ایم و میگوئیم فرستادن محصلین بخارجه برای تکمیل تحصیل است نه شروع بتحصیل. یکنفر ایرانی باید اول زبان، تاریخ مملکت و ادبیات وطن خود را خوب بداند و تحصیلات متوسطه را اقل تمام کرده باشد و بعد سفر بخارجه نماید و الا نیم عمرش در ممالک خارجه صرف اموختن زبان و تاریخ و جغرافیای مملکت اجنبی گردد و وقتی که به ایران برگردد در میان قوم خود درست یکوصله نا هرنک است. فرستادن اطفال در صغر سن بخارجه گناه عظیمی است چه این بد بختان معصوم مانند شتر مرغ خواهند

شد یعنی نه شترند و نه مرغ یا نه ایرانیند و نه اجنبی . از مملکت خود مانده و از کشور خارجه رانده خسر الدنيا و الآخره اند . این بیچارگان تا آخر عمر در عذاب خواهند بود و فایده شان بهیچ قومی نمیرسد و بلکه برعکس ممکن است با ملت خود دشمن شوند چنانکه نگارنده چند نفر از این قبیل اشخاص را تا کنون مشاهده نموده ام که هر وقت اسم ایرانی در حضور شان برده میشد رنگشان تغییر میکرد و مثل این بود که کسی بایشان غش میداد .

فرستادن محصلین بخارجه باید در سنی باشد که بتوانند از مسافرت خود نتیجه حاصل کنند و با قوه عقل خوب را از بد تمیز دهند و مخصوصاً بملیت خود مفتخر باشند . اما اینکه گویند در ضمیر سن بهتر آداب و خلق و خوی خارجیان را آشنا شوند و دیگر موهومات و خرافات ایرانی در سرشان جایگیر نشود ناشی از یک عقیده خطائی است و آن این است که صاحبان این قبیل افکار تصور میکنند هر چه ایرانی دارد بد است و آنچه خارجیان را باشد نیک و پسند است . ما نمیخواهیم در این مقاله مختصر شرح این نکته مهم را دهیم ولی بهمین اشاره میکنیم که در شرق اگر چه موهومات و خرافات خیمه زده ولی آداب نیک هم بسیار است و در غرب هر چند که علم و دانش بیرق افراق افراشته سنن ناشایسته بی شمار است و باید با قوه عقل و تمیز خوب را از بد تمیز داد و آنچه نیک است فرا گرفت . دیگر آنکه هر ملتی یک ذوق ، یک استعداد ، یک قابلیت مخصوص و یک طریق تفکر خاصی دارد که نبایست از دست دهد بلکه باید در نشو و نمای آن جدیت کند . الساعه که این سطور را می نگارم شاعر

و حکیم معروف هندو « تاگور » در مصر است و این شخص بزرگ نمونه ایست از دانشمندانیکه تا کنون در هند ظهور کرده . بعقیده نگارنده بیشتر بزرگی این حکیم عالیقدر از اینجا است که توانسته است افکار و فلسفه هندو را در قالب اشعار ابدار انگلیسی در بیاورد و بعالمیان بفهماند اینقوم چگونه فکر کرده و میکنند . پس نبایست بهیچوجه طریق تفکر قومی و اداب حسنه خود را از دست داد چه آنچه ما را از دیگران تمیز میدهد و باعث افتخار ما است طریق تفکر ما است . نبایست طریق تفکر را با خود فکر یکسان دانست . فکر چیز دیگر و طریق تفکر چیز دیگر است . ممکن است ما در فکر خطا برویم و تغییر آن لازم باشد ولی طریق تفکر مان را نبایست از دست بدهیم . در اینجا فقط بیک مثل اکتفا میکنیم چون مسئله قدری دشوار و جای شرحش در این مقاله نیست . انسان بایست با پای خود راه برود و بطور مخصوص خود حرکت کند ولی ممکن است بمنزلی که میرسد خطر ناک باشد پس با پای خود یا بطرز خود راه رفتن چیز دیگری است و بمنزل خطر ناک رسیدن چیز دیگر . در هر صورت ما شرقی هستیم و باید شرقی بمانیم نمیتوانیم غربی بشویم چون آب و هوای اینحدود با اینجا بسی فرق میکند و از همه حیث فرقههای نمایانی موجود است .

باری گفتیم فرستادن محصلین بخارجه بشرط اینکه تحصیلات متوسطه خود را در ایران تمام کرده باشند واجب است . ولی باید دانست در کجا فرستاد . کدام يك از ممالک خارجه بهتر است ؟ کدام نقطه مناسب تر از برای محصلین است ؟ جواب این سؤال بسته به

ذوق محصل ، زبانی که تحصیل کرده و رشته<sup>۱</sup> که تکمیل آن را در نظر دارد میباشد . لذا از مبحث ما خارج است . وقتیکه محصل تحصیلات متوسطه<sup>۲</sup> خود را تمام کرده باشد خود بهتر میتواند حکم کند و دولت هم برای فرستادن محصلین بنقاط مختلفه باید این نکته<sup>۳</sup> مهم را در نظر داشته باشد که برای تکمیل چه رشته<sup>۴</sup> او را میفرستد . باید ایران به اکثری از دار الفنون و دارالعلومهای بزرگ دنیا محصل بفرستد تا علاوه بر تکمیل تحصیل انقوم را هم بشناسند و با آداب و عادات حسنه<sup>۵</sup> آنان آشنا گردند .

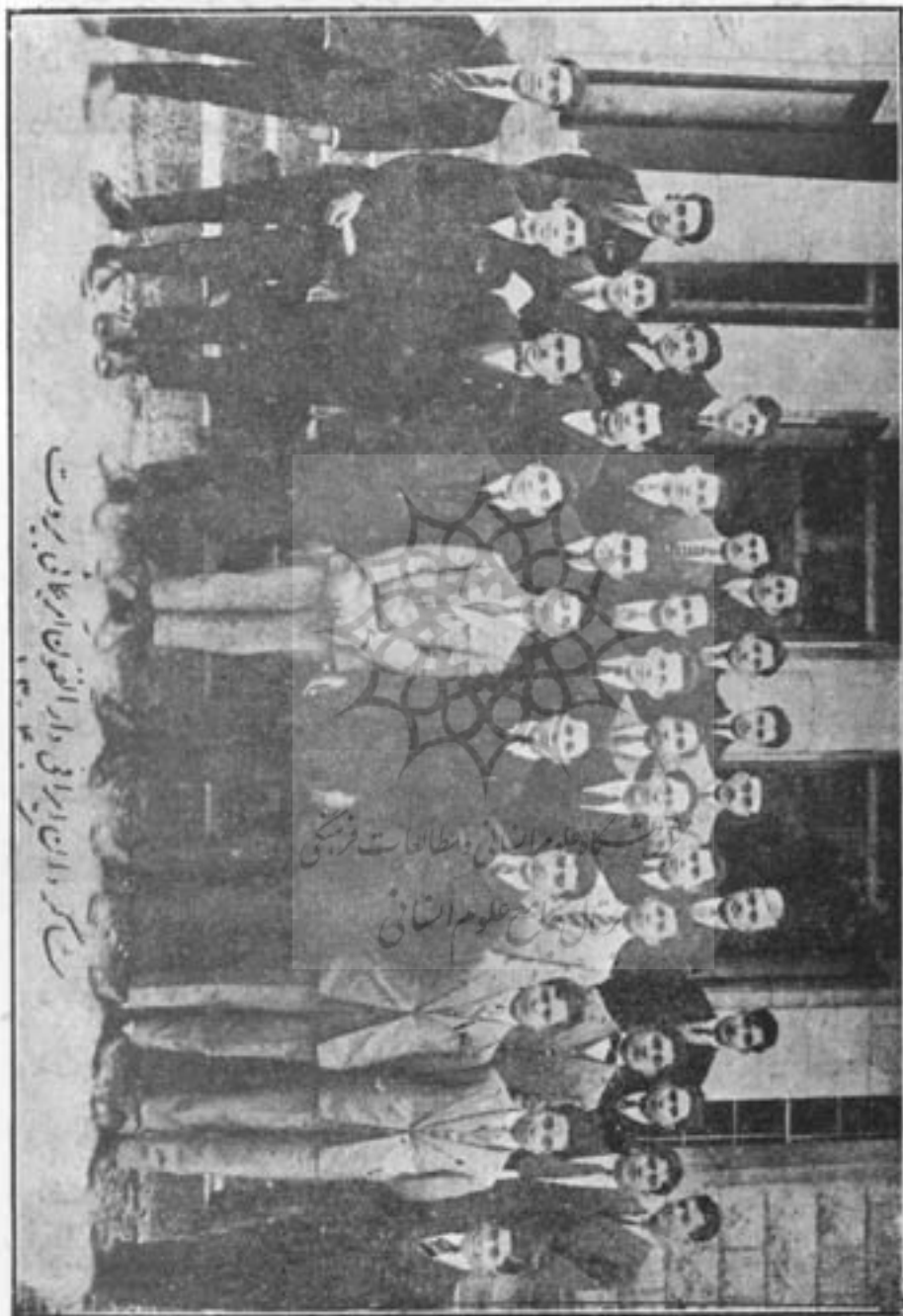
یکی از دار الفنونهای بزرگ شرق دار الفنون امریکائی بیروت است که تا کنون خدمات شایان تقدیر بمشرق و مشرقیان نموده . خوشوقت از اینیم که در این دار العلم بزرگ جمعی از جوانان دانشمند ایرانی با جدیت تمام مشغول تکمیل تحصیلات خود میباشند . جای تردید نیست که امریکائیا در طریق تعلیم و تربیت گوی سبقت از بسیاری از ملل دیگر ر بوده<sup>۶</sup> مهارتی<sup>۷</sup> تمام دارند<sup>۸</sup> لذا با آن نوع خواهی و شرق دوستی که مخصوص معلمین و استادان دانشمند آن دار الفنون است میتوان گفت که محصلین ایرانی در انجا بنهایت امال خود که در بر گرفتن شاهد علم و ادب است رسیده و خواهند رسید و طولی نخواهد کشید که فارغ التحصیلهای انجا بهترین خدمت را بوطن عزیز خود خواهند نمود .

اخیرا مراننامه<sup>۹</sup> انجمن دانشکده<sup>۱۰</sup> محصلین ایرانی بیروت به اداره واصل گردید . از مضمون آن بخوبی معلوم میشود که آقایان محصلین انحدود تا چه حد به ادبیات و زبان ملی خود اهمیت میدهند و تا چه اندازه

جدیت میکنند قومیت خود را از دست ندهند . ما با کمال میل و شغف این مرامنامه را از اول تا آخر بدقت مطالعه کرده از عقاید این جوانان دانشمند و مخصوصاً از جلسات ادبی که تا کنون منعقد نمودند بی اندازه محظوظ شدیم .

در آن رساله مزایای دار الفنون بیروت ذکر شده از زحمات پروفیسورهای دانشمند انجاسی قدر دانی شده است . محصلین ایرانی این دار الفنون دارای یک عشق و طنپرسی مخصوص و یک عقیده راسخی هستند . با وجود میل و اشتیاق بتمدن اروپائی از بعضی آداب منحوس مغربیان متنفر و نهایت به ملیت خود مفتخرند . همین بزرگترین دلیلی است که اینان میتوانند بعدها به مملکت خود خدمات گرانبھائی نمایند و کشتی ایران را بساحل نجات رسانند . جناب آقای ذبیح قربان رئیس دانشکده و آقای حسن بایسوزی شیرازی که هر دو از محصلین جدی و با عزم میباشند دو مقاله به اداره برای درج ارسال داشته که از هر کدام بخوبی معلوم میشود درجه معرفت و دانش این فرزندان گرامی ایران تا چه حد است . ما هر دو مقاله را در این شماره درج کرده به ذکاوت و هوش و مراتب تحصیلات ایشان هزاران افرین میخوانیم . اری در بوستان ایران امثال این جوانان دانشمند بهترین نهال امیدند .

اعضای محترم دانشکده آخرین عکسی که شاگردان ایرانی دار الفنون با معلمین محترمشان انداخته برای یادگار به اداره سودمند ارسال داشته و کارکنان این مجله را بسی مسرور نموده اند . ما عین آن عکس را در همین شماره درج نموده همت یگان یگان این محصلین جدی را تقدیر و تقدیس مینمائیم .



کلاس علمیه انسانی و اشاعات فرنگی  
مدرسه دار الفنون بیروت

سازمان انجمن ایرانی دار الفنون ایرانی بیروت